

جایگاه مصلحت در اندیشه فقهی – سیاسی

امام خمینی (ره)

خدیجه هاشمی*

غلامرضا بهروزی لک**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

چکیده

حضرت امام خمینی (ره) نخستین فقیه در تاریخ سیاسی تشیع هستند که موفق به تشکیل حکومت و پیاده نمودن نظریه ولایت فقیه گردیدند. ایشان در همین راستا به فقه المصلحه با دیدی متفاوت تر از گذشته نگریسته و جنبه اجتماعی و حکومتی آن را برجسته تر از قبل نشان دادند این در حالی است که علمای متقدم شیعی در آثارشان بیشتر به جنبه حضور مصلحت در حوزه مسایل شرعی و تکالیف فردی اشاره داشتند و کاربرد این مهم در مسایل اجتماعی و سیاسی نادیده انگاشته شده بود. حضرت امام خمینی (ره) با تاکید و توجه به سیره نبوی، مصلحت را به عنوان اصلی اساسی در حفظ و تداوم نظام اسلامی معرفی نمودند و در حوزه عمل نیز سیره سیاسی ایشان نمایانگر پابندی به این اصل حیاتی در جامعه اسلامی بوده است. در این پژوهش تلاش نویسنده برآن است تا با استفاده از روش تحلیلی – توصیفی و بر پایه داده های کتابخانه ای، نظریه مصلحت را در اندیشه و عمل حضرت امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌گان: امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، مصلحت، ولایت فقیه.

سیهر سیاست

سال سوم

شماره هفتم

بهار ۱۳۹۵

* کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، مدرس دانشگاه پیام نور

** نویسنده مسئول: دانشیار، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

مکتب و نظام مدعی مدیریت اجتماع به سبب تحولات مداوم مسائل اجتماعی باید از این انعطاف برخوردار باشد که خود را با تحولات زمانی و مکانی هماهنگ ساخته و بتواند آن را بر اساس مبانی و بنیان های خویش مدیریت کند. مکتب اسلام و به طور اخص مکتب فقهی تشیع، از جمله داعیه داران در حوزه مدیریت جامعه و توانا در جهت رویارویی با متغیرات اجتماعی هستند و پاسخ آن ها به تحولات مداوم اجتماعی، مقوله مصلحت است. گرچه این اصل مهم در حوزه سیاست و اداره جامعه تا زمان معاصر کاربردی نداشت و اما با طرح نظریه ولایت فقیه از طرف امام خمینی (ره) که پیوند وثیقی با اصل مصلحت داشت، نظریه مصلحت نیز در کنار نظریه ولایت مطلقه فقیه، کم کم جایگاه خود را باز یافت.

غالب پژوهش های صورت گرفته در تشریح اندیشه امام پیرامون مقوله مصلحت با رویکرد فقهی گرد آوری شده است به طور مثال عبدالحسین خسروپناه در کتاب *گفتمان مصلحت*، به بررسی آراء و اندیشه های حضرت امام (ره) در خصوص عنصر مصلحت پرداخته و در بیان مواضع خود در چارچوب بررسی اندیشه امام (ره) می نویسد؛ فقه المصلحه یکی از مهمترین عناصری است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط حضرت امام خمینی (ره) جنبه اجتماعی و حکومتی یافت. همین طور پژوهشگران دیگری در این زمینه قلم زده اند و اندیشه و عمل امام (ره) را در باب ارائه نظریه مصلحت و ارتباط آن را با بحث ولایت فقیه مورد کنکاش قرار داده اند از جمله آقای یحیی فوزی در کتاب *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به این مبحث پرداخته است*.

در این پژوهش ابتدا به مقوله مصلحت و تاریخچه آن در فقه امامیه خواهیم پرداخت و پس از آن این نظریه مهم را در اندیشه و عمل امام راحل (ره) مورد بررسی قرار می دهیم.



مفهوم مصلحت و جایگاه آن در فقه امامیه

مصلحت در لغت به معنای «صلاح است و جمع آن مصالح می باشد.» (رمضان البوطی، ۱۹۹۲، ص ۲۷) صاحب تاج العروس آورده است، مصلحت با اسم مکان به معنای جایگاه و مکان صلاح است یا مصدر میمی است که معنای صلاح می باشد

و معنای مقابل آن افساد است. (تقوی، ۱۳۸۷، ص ۱۳) و در اصطلاح « عبارت از آن چه که با مقاصد انسان در امور دنیوی و اخروی ویا هر دو موافق بوده و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد.» (شبان نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۵) برخی نیز معنای تدبیر را از لفظ مصلحت منظور کرده اند: « مصلحت عبارت است از تدبیری که دولت اسلامی به منظور رعایت منافع معنوی و مادی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شرع مقدس اتخاذ می کند.» (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۵)

با مروری بر سیره نبوی و علوی آشکار می گردد که پیشوایان دین از مصالح اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی بهره می بردند و به مقتضای مصلحت جامعه از تجارب و فنون بشری استقبال می نمودند. به عنوان نمونه حضرت رسول (ص) در معاهده با یهودیان بنی نضیر، سالیانه ششصد صاع جو به هنگام برداشت و سیصد صاع خرما در فصل برداشت مقرر نمودند. (مکاتیب الرسول، ۱۳۶۳، ص ۳۱۸) و یا در زمان حکومت حضرت امیر علیه السلام، آن حضرت به عامل خود دستور دادند تا از دهقانانی که مرکب های گران قیمت سوارند و انگشتی فاخر به دست دارند، ۴۸ درهم و از تاجران ۲۸ درهم و از سایر مردم ۱۲ درهم اخذ نماید. (فتوح البلدان، ۱۹۸۷، ص ۲۷۱) و همین طور حضرت علی علیه السلام برخلاف زمان حضرت رسول (ص) که از اسب ها مالیات نمی گرفتند، ایشان بر اسب ها مالیات وضع کردند؛ «وضع امیرالمؤمنین علی الخلیل العتاق الراعیه فی کل فرس من کل عام دینارین و جعل علی البراذین دینارا» امیرالمؤمنین (ع) بر اسب های سواری در هر سال دو دینار و بر اسب های باری یک دینار در طول یکسال وضع کردند. (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲)

فقه شیعی با تکیه بر سیره نبوی همواره بر موضوع مصلحت تاکید داشته است به گونه ای که جایگاه مصلحت در فقه تشیع دارای بحث دامنه داری است که عمده فقهای شیعی به آن پرداخته اند. شیعه بر اساس اعتقاد به حسن و قبح ذاتی و عقلی و نیز حکمت و عدل الهی، تابع مصالح و مفاسدند. یعنی احکام و جوبی بر اساس مصالح موضوعات آن ها جعل می گردند و بر اساس تفاوت مصالح و مفاسد موضوعات در الزام و عدم الزام، احکام را به وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه تقسیم می کنند. (خسرو پناه، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴) شیخ صدوق در روایتی از امام باقر علیه السلام بیان می دارد: آن حضرت در پاسخ سوالی که چرا خداوند مردار و خون و گوشت خوک و خمر را حرام کرده است؟ این گونه پاسخ دادند: خداوند تبارک و تعالی به خاطر بی رغبتی این ها را حرام ننموده است و هم چنین غیر این

جایگاه مصلحت در
اندیشه فقهی - سیاسی
امام خمینی (ره)
(۱۰۳ تا ۱۱۳)

ها را که حلال نموده به خاطر رغبت به آن ها نبوده است و لکن خداوند عزوجل مخلوقات را افرید و به نیاز های ضروری بدن او و آن چه که برای او نفع دارد، آگاه است و آن ها را بر او مباح کرده است و آن چه که موجب ضرر است بر او حرام نموده است. (الصدوق، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۹۶)

برخی بر این گمانند که مصلحت در فقه امامیه جایگاهی ندارد و «فقه المصلحه» برای نخستین بار در کلمات حضرت امام خمینی (ره) مطرح شده است اما باید اشاره کرد که این توهمی بیش نیست، زیرا اصطلاح مصلحت و زیر مجموعه های آن در منابع فقهی تشیع فراوان ذکر گردیده است. برای نمونه شهید اول در کتاب *القوائد* به مصلحت و اقسام آن می پردازد و موارد مصلحت معتبره را از غیر معتبره تفکیک می کند. همچنین فقهای شیعه در جریان قاعده تقدم اهم بر مهم و تراحم احکام شرعی نیز از این عنصر مهم مدد جسته اند. (خسرو پناه، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳)

جایگاه مصلحت در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)

جایگاه مصلحت در اندیشه امام (ره) از ریشه دارترین مباحث در فقه سیاسی ایشان است که رد پای آن را می توان در آثار اولیه ایشان به وضوح یافت. ایشان به فقه المصلحه، صبغه اجتماعی و حکومتی دادند و آن را با عناوین مصلحت نظام، مصلحت اسلام و... مطرح نمودند. مصلحت نظام در تعریف حضرت امام (ره) « از امور مهمه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان های دور و نزدیک زیر سوال ببرد.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۱۷۶) ایشان با طراحی تئوری مصلحت توانستند در کنار پایبندی به فقه سنتی و جواهری، فقه سیاسی شیعه را از بن بست ناکارآمدی در پاسخ گویی به مسایل اجتماعی- سیاسی بیرون آورند و در عالم خارج، مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای حل معضلات نظام تشکیل دهند.

الف) پیوند نظریه ولایت مطلقه فقیه با مصلحت

مساله ولایت فقیه و زعامت جامعه اسلامی در عصر غیبت نزد فقهای شیعه و اهل سنت از اهمیت خاصی برخوردار است گرچه این بحث برای نخستین بار توسط ملا احمد نراقی در کتاب *عوائد الایام* به عنوان فصل مستقلی مطرح گردید



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هفتم
بهار ۱۳۹۵

ولی عموم فقهای متقدم شیعه در آثار خود به آن توجه نشان داده اند و پس از مرحوم نراقی، حضرت امام خمینی(ره) تنها فقیهی است که موضوع ولایت فقیه را به صورت جامع و روشن مورد بحث و بسط قرار دادند.

حضرت امام (ره) با تالیف کتاب هایی چون *کشف الاسرار*، *تحریر الوسيله*، *الرسائل*، *البيع* و *مجموعه سخنرانی ها و نامه ها* خود به اهمیت بحث ولایت فقیه افزودند. ایشان در کتاب *کشف الاسرار*، حکومت اسلامی را با استناد به احادیث پیشوایان دین، حق فقیه جامع شرایط معرفی نموده و در *تحریر الوسيله* فقهای جامع شرایط را نائب عام حضرت ولی عصر (عج) در عصر غیبت معرفی می نمایند و گستره وسیعی را برای ولایت آن ها قائل می شوند. (خسرو پناه، ۱۳۷۹، ص ۲۳ و ۲۴)

حضرت امام (ره) در کتاب *ولایت فقیه* با تاکید بر سیره پیامبر(ص)، اصل ولایت فقیه به خصوص ولایت در امر حکومت و جنبه های سیاسی آن را مورد بررسی قرار دادند، به گونه ای که ایشان در این کتاب مواردی چون عمل حضرت رسول(ص) در تشکیل حکومت، ضرورت استمرار اجرای احکام الهی، ماهیت و کیفیت قوالتین اسلام که بدون حکومت قابل اجرا نیست را به عنوان دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر می شمردند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴) در واقع حضرت امام(ره) که باید طرح اندیشه ولایت مطلقه فقیه را مختص به ایشان دانست، در تفسیر ولایت مطلقه فقیه، به تساوی اختیارات حکومتی ولی فقیه با اختیارات حکومتی پیامبر(ص) و امامان اشاره می کنند و تمامی وظایف و شئون آن بزرگواران را چون ابلاغ پیام الهی، قضاوت، زعامت سیاسی و رهبری جامعه را به فقیه جامع شرایط نسبت می دهند؛ « این توهم که اختیارات حکومتی حضرت رسول(ص) بیش از حضرت امیر بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر(ع) بیش از فقیه است باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول(ص) بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر(ع) از همه بیشتر است؛ لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم در تدارک بسیج و سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمین داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است، منتهی شخص معینی نیست، روی عنوان *عالم عادل* است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۵۰ و ۵۱)

جایگاه مصلحت در
اندیشه فقهی- سیاسی
امام خمینی (ره)
(۱۰۳ تا ۱۱۳)

با این اوصاف نظریه ولایت مطلقه فقیه توسط حضرت امام (ره) به اوج تکامل خود رسید و در جایگاه اصلی خود یعنی علم کلام نشانده شد. ایشان ولایت مطلقه فقیه را به معنای ولایت صدور حکم حکومتی، آن هم بر مدار مصالح عمومی معنا نمودند و مرز ولایت مطلقه فقیه را مفهوم مصلحت دانستند. مصلحت عمومی، مصلحت کشور، مصلحت نظام و... از جمله تعبیری است که حضرت امام (ره) به آن تاکید فراوان داشتند و در واقع مصلحت اسلام از دیدگاه ایشان همان مصلحت مردم بود. بنابراین مصلحت در تبیین حضرت امام (ره) از نظریه ولایت فقیه، از مفاهیم محوری به شمار می آید. و ایشان دو وظیفه اساسی برای حاکم اسلامی که هر دو به گونه ای با مصلحت در ارتباط است بر می شمرد؛ اول اجرای احکام شرعی و اقامه حدود الهی که مبتنی بر مصالح و مفاسد نفس الامری می باشد و مصلحت مسلمانان در آن مد نظر بوده است و دوم تصرفات مربوط به اموال اسلامی و اوامر مربوط به حاکم اسلامی می باشد که در چارچوب مصلحت جامعه اسلامی، تحقق می یابد. (شبان نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۴)

مصلحت و حکم حکومتی

حکم حکومتی به مجموعه احکام و قوانینی گفته می شود که برای اداره جامعه توسط حاکم اسلامی وضع می گردد. آیت الله مکارم شیرازی احکام حکومتی را از احکام اجرایی و تنفیذی می داند «همانا احکام ولایی احکام اجرایی و تنفیذی هستند زیرا این احکام به اقتضای طبیعت مساله ولایت است و بازگشت این احکام به تشخیص صغریات و موضوع ها و تطبیق احکام شرع بر آن ها و تطبیق آن ها با احکام شرع است.» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۳۶)

برای آشنایی با گستره احکام حکومتی می توان به موارد زیر به طور خلاصه اشاره نمود:

- تمام مقررات و احکامی که برای کیفیت اجرای احکام اولیه و ثانویه از سوی ولی امر مسلمین وضع می گردد مانند قوانین قضایی در اجرای حدود شرعی و تعزیرات.
- احکام الزامی و جوبی و تحریمی که در منطقه الفراغ و حوزه مباحات از سوی حاکم اسلامی، با توجه به مصالح جامعه اسلامی وضع می گردد مانند مقررات راهنمایی و رانندگی.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هفتم
بهار ۱۳۹۵

- احکام حکومتی و ولایی در صورت تزام احکام اولیه با مصالح جامعه .
مانند تعطیل نمودن حج به طور موقت.

- احکام حکومتی در چارچوب احکام ثانویه با توجه به عسر، حرج و ضرر ...

- احکام حکومتی به طور کلی به دو دسته احکام قضایی و احکام سلطانی تقسیم می شوند. احکام قضایی احکامی است که پس از طرح دعوا مشخص می شود. در حالی که احکام سلطانی به موارد نزاع اختصاص ندارند و کاملاً به مسائل نظامی و انتظامی و مصالح جامعه مبتنی است. (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۷۴)

به طور کلی محور صدور احکام حکومتی وجود مصالح و مفاسد اجتماعی است. احکام حکومتی در محدوده مصلحت سنجی حاکم صادر می شوند و حضرت امام خمینی (ره) آن را جز احکام اولیه به حساب آورده اند و تفاوت آن با دیگر احکام اولیه در آن است که احکام حکومتی وصف دائمی بودن را ندارند و حاکم اسلامی که بدون واسطه یا با واسطه منصوب از طرف شارع می باشد حکمی را صادر می کند از یک منظر از آن جهت که این حاکم، حاکمیتش از طرف شارع جعل شده این یک حکم کلی اولی است و از طرف دیگر با این اختیاری که پیدا نموده است و جعل حکم می کند، حکم حکومتی است. (صابریان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱) در واقع برای احکام ثابت، حکم ثابت و دائمی قرار داده شده و برای مصلحت های متغیر، حکم متغیر قرار داده شده است و این امر با جاودانگی احکام دین اسلام هماهنگی دارد.

با سیری در سیره عملی حضرت امام (ره) در حوزه کشورداری و پاسخ هایی که ایشان به برخی مبادی اجرایی برای حل مشکلات اجتماعی داده اند حاکی از این است که ایشان اعمال ولایت را تا جایی که مصلحت نظام اقتضا می کند، جایز دانسته و به آن پایبند بوده اند:

ایشان در پاسخ به این سوال که « آیا می توان برای واحدهایی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی مانند؛ آب، برق، تلفن، سوخت، ارز مواد اولیه، بندر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره به نحوی از انحاء استفاده می نمایند، اعم از اینکه این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد یا به تازگی به عمل آید، در ازای این استفاده، شروط الزامی را مقرر نمود؟»، می فرمایند: «در هر

جایگاه مصلحت در
اندیشه فقهی- سیاسی
امام خمینی (ره)
(۱۰۳ تا ۱۱۳)

دو صورت، چه گذشته و چه حال، دولت می تواند شروط الزامی را مقرر نماید.»
(صحیفه نور، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۱۶۲)

در جای دیگری دبیر شورای نگهبان در نامه ای خطاب به حضرت امام (ره) می نویسد: «از فتوی صادره از ناحیه جنابعالی که دولت می تواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی را مقرر نماید، به طور وسیع برخی از اشخاص استظهار نمودند که دولت می تواند هر گونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازرگانی، امور شهری، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلیه و مستقیم اسلام قرار دهد و خدمات و امکاناتی را که منحصر به او شده است و مردم در استفاده از آن ها مضطر یا شبه مضطر می باشند وسیله اعمال سیاست های عام و کلی بنماید و افعال و تروک مباحه شرعیه را تحریم یا الزام نماید...» (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۵۶)

و امام (ره) در پاسخ به ایشان اینگونه می نویسند: «دولت می تواند در تمام مواردی که مردم از خدمات و امکانات دولتی استفاده می کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شروط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار شده است ندارد.» (صحیفه نور، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵)

ب. نقش مقتضیات زمانی و مکانی در تشخیص مصلحت

از جمله عوامل موثر در ضرورت و کاربرد فقه المصلحه، تحولات زمانی و مکانی است. به عبارتی گذشت زمان و تحول مکان، در پیدایش موضوعات تازه، تحول ماهیت برخی مسائل پیشین و پیدایش نگرش ها و نیازهای نوین موثر است و این چنین است که فقه پویا مبتنی بر فقه جواهری از سوی امام (ره) مطرح شد که به طور کامل با زندگی انسان در هر عصری، ارتباط دارد و کاملاً بر اداره آن تواناست. (افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۱۵ و ۱۶) «اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند مساله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مساله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۹۷)



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هفتم
بهار ۱۳۹۵

فقه سیاسی امام (ره) به دلیل توجه به حاکمیت و نظریه پردازی در باب حکومت حاکمان، باعث دامن زدن به مسائل اقتضائات زمانی و مکانی گردید. یکی از مهمترین شگفتی‌هایی که در فقه سیاسی حضرت امام (ره) در باب فقه المصلحه وجود دارد، توجه امام به مصلحت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی قبل از آغاز قیام است. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۹) از جمله شواهدی که گویای توجه امام (ره) به قاعده مصلحت و اقتضائات زمانی و مکانی، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است، به این شرح است:

حضرت امام (ره) در باب مصرف خمس و زکات می فرمایند: «أن الزکوات والاخماس مما تمکله دولة الاسلام، تتصرف فیها وتصرفها فیما یراه ولی أمرها من مصالح الاسلام و المسلمین أیه مصلحه کانت، و كذلك المنصوب من قبله خصوصا أو عموما، و الفقراء و المساکین بالنسبه الی تلك المصالح و المصارف یکفیهم أقل قليل من الزکوات ألتی اوجبه الله علی المکلفین. و كذلك الخمس، فإن من مصارفه عنوان فی سبیل الله العام لكل مصلحه یراها ولی الامر» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۲۰) در این عبارت حضرت امام (ره) چندین بار مصلحت را در باب مصرف زکات و خمس مطرح کرده اند و یا در جایی دیگر اینگونه می فرمایند: «بیع السلاح من أعداء الدین، من الامور السیاسه التابعه لمصالح الیوم فریما تقضی مصالح المسلمین بیع السلاح بل إعطاءه مجانا لطائفه من الکفار.» خرید سلاح از دشمنان در زمره امور سیاسی و تابع مصالح روز اسلام است. گاهی حتی مصلحت اقتضای آن دارد که سلاح مجانی در اختیار گروهی از کافران قرار دهیم.» (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۷) در این جا، بیان خرید سلاح از کفار ابتکاری است که توسط حضرت امام (ره) مطرح شده است و بنا به اقتضا و مصلحت حتی می توان معامله ای این گونه با کفار داشت. از مثال های فوق اینگونه می توان برداشت نمود که فرمان حضرت امام (ره) در باب مصلحت و تشکیل مجمعی برای تشخیص مصادیق آن تنها اقدامی ابلاغی بود که بر اساس فقه سیاسی ایشان صورت گرفت و علت اصلی این تاخیر در ابلاغ، نه گرفتاری ایشان در تنگناهای سیاسی که ایجاد بستری حقوقی و فقهی برای مسایلی بود که پس از رحلت آن حضرت به وقوع پیوست. (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۶۳ و ۶۲)

نتیجه

پیرامون لفظ مصلحت، معانی متفاوتی ارائه گردیده است که یکی از معانی آن

جایگاه مصلحت در
اندیشه فقهی- سیاسی
امام خمینی (ره)
(۱۰۳ تا ۱۱۳)

که در حوزه مباحث فلسفه سیاسی جای می‌گیرد عبارت است از، خیر و نفعی که متوجه عموم مردم در دنیا و آخرت گردد که این معنا با ارائه تئوری مصلحت توسط حضرت امام خمینی(ره)، همخوانی بیشتری دارد و عنصر مصلحت نه به مانند قبل به عنوان یک منبع اجتهادی، بلکه در جایگاه یک عامل اجرایی در درون فلسفه سیاسی حکومت قرار می‌گیرد. حضرت امام خمینی(ره) با بهره‌گیری از سیره نبوی در تدوین نظریه ولایت فقیه، به این موضوع اشاره نمودند که وظایف حکومتی حضرت رسول(ص) به طور یکجا به ولی فقیه سپرده می‌شود و حاکم اسلامی با مصلحت‌سنجی و بنا به اقتضائات زمانی و مکانی باید به صدور حکم حکومتی اقدام نماید. سیره سیاسی حضرت امام(ره) چه در بحث ارائه نظریه مصلحت و چه در زمینه عمل به آن و تشکیل نهادی در جهت اجرای بهتر این نظریه به عنوان نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، خود گویای توجه و احاطه کامل ایشان به این اصل مهم در جهت قوام نظام اسلامی است.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هفتم
بهار ۱۳۹۵

کتابنامه

- احمدی میانجی، علی. (۱۳۶۳). مکاتیب الرسول. یس.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴). دانش سیاسی: مقام مصلحت در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)، شماره ۱، ص ۹ تا ۴۲.
- اکبری، مجتبی. (۱۳۹۰). فرهنگ پژوهش: جایگاه فقه المصلحه در فقه سیاسی امام خمینی ره، شماره ۱۱.
- الصدوق، محمد. (۱۴۰۸). علل الشرایع. موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- الطوسی، محمد (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. دارالکتب الاسلامیه.
- الطوسی، محمد. (۱۳۶۳). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. دارالکتب الاسلامیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۸۷). فتوح البلدان. دارالکتب العلمیه.
- تقوی، محمد ناصر. (۱۳۷۸). حکومت و مصلحت. امیرکبیر.
- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۷۹). گفتمان مصلحت در پرتو شریعت و حکومت. موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۰). صحیفه نور. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۶). تنقیح الاصول. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۹). ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی (ره). موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- رمضان البوطی، محمدسعید. (۱۹۹۲). ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه. دارالمتحدہ للطباعه والنشر.
- شبان نیا، قاسم و...، (۱۳۹۲). حکومت اسلامی: کارآمدی نظریه ولایت فقیه در تامین مصلحت عمومی، شماره ۶۷، ص ۳۳ تا ۶۰.
- صابریان، علیرضا، (۱۳۸۶). حقوق اساسی: مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی، شماره ۸، ص ۱۲۳ تا ۱۴۲.
- محمدی گیلانی. محمد. مجله رهنمون: احکام اسلام، شماره ۲ و ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۳). انوار الفقاهه. مدرسه امام امیر المومنین ع.
- مهرپور حسین. (۱۳۷۴). دیدگاه های جدید درباره مسائل حقوقی. انتشارات اطلاعات.
- هاشمی، سید حسین. (۱۳۸۱). مجمع تشخیص مصلحت نظام (تحلیل مبانی فقهی و حقوقی). مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم.

جایگاه مصلحت در
اندیشه فقهی - سیاسی
امام خمینی (ره)
(۱۰۳ تا ۱۱۳)